



مدد حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
 همایون مافی، مرتضی پورعزیز
 بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
 آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
 هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
 هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
 تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نو ظهور
 سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
 وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
 سعید مولوی، نرجس دربانی چلچله
 تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
 احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
 تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
 ایرج مروتنی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
 لزوم جرم انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
 مهدی رجائیان، شادی چگینی
 ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
 امیرحسین ابوالحسنی، ستار فخرایی، زینب قادری
 واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
 حجت اله دهقانی
 سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
 سیدحجت الله علم الهدی، محمد مهدی اسدی
 اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
 محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
 واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
 سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
 بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
 علیرضا باقری حسن آبادی
 مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
 ایوب رحیمی
 مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
 احمدرضا سلطانیان
 مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
 جیران ابراهیمی
 سیاستگذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
 محبوبه طالبی رستمی
 تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
 وحید کیومرثی
 مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
 مهدی قره داغی، مسعود سرفرازی صالح
 مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
 حبیب اله عبدالله پور، حمیدرضا نام آور
 تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
 جواد چراغی
 تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
 محمد احمدی
 مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
 جواد دشتیان
 قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
 علی باباپور همراهلو، پویا بنی هاشم
 مالکیت و بهره برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
 احمد پدیدار، یاسر صیادپور
 حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
 عارفه قاسم زاده ده آبادی
 بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی)
 علی زارعی جلال آبادی
 نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
 علیرضا درائی
 شناسایی و اولویت بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکدی‌گری در زاهدان
 محمدکمال دادرس
 مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
 علی فراحی
 تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
 رامهر رحمانی گل افشان
 مروری تاریخی بر جرم انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
 یاسر شاکری



A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property

Habibolah Abdollah Poor

PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

Hamidreza Namavar

Master's student in private law, Adiban University, Garmsar, Iran

مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف

حبیب اله عبدالله پور

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

habibabdollahpoor@yahoo.com

حمیدرضا نام‌آور

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه ادیبان، گرمسار، ایران
aydinlaw67@gmail.com

Abstract

The aim of the present study is to examine the jurisprudential and legal condition of returning an endowment to the donor's property. The main challenge in discussing the condition of returning in an endowment is the conflict between the fundamental principles of endowment and the possibility of including conditions in contracts. From a jurisprudential and legal perspective, endowment is by its very nature a necessary and permanent contract whose purpose is to permanently confine the object and obtain its benefit for good purposes. The prohibition of the donor's return after the endowment is realized, which guarantees the sustainability and achievement of the endowment's objectives, is considered one of its main pillars. However, the inclusion of a condition of return that allows the donor or a third party to terminate the endowment and return the endowment object to its original ownership challenges this necessity and prohibition of return. Most jurists and lawyers believe that such a condition is in conflict with the requirements of the essence of the endowment contract, because it removes the endowment from the state of permanent possession or confinement and turns it into a permissible contract, which contradicts the long-term goals and the sustainable nature of the endowment and makes it invalid; this view faces serious challenges due to the destabilizing consequences for the endowment institution. The research present, using an analytical-descriptive method, has concluded that the condition of the return of the endowment to the donor's property is in fundamental conflict with the necessary and eternal nature of the endowment and the principle of "prohibition of return from the endowment". The dominant jurisprudential and legal view in Iran considers such a condition invalid due to its contradiction with the requirements of the essence of the endowment contract and the need to maintain the stability and stability of this benevolent institution and emphasizes it in order to prevent instability in the pillars of the endowment and the loss of its lofty goals.

Keywords: Endowment, Endowment Property, Endowment.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف است. چالش اساسی در بحث شرط بازگشت در وقف، تقابل میان اصول بنیادین وقف و امکان گنجاندن شروط در عقود است. از منظر فقهی و حقوقی، وقف به ماهیت خود عقدی لازم و پایدار است که هدف آن حبس دائم عین و تسبیل منفعت آن برای مقاصد خیر است. ممنوعیت رجوع واقف پس از تحقق وقف که ضامن پایداری و تحقق اهداف وقف است، یکی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود. حال آن که درج شرط بازگشت که به واقف یا شخص ثالث اجازه فسخ وقف و بازگشت عین موقوفه به مالکیت اولیه را می‌دهد، این لزوم و ممنوعیت رجوع را به چالش می‌کشد. غالب فقها و حقوقدانان بر این باورند که چنین شرطی با مقتضای ذات عقد وقف در تعارض است، چرا که وقف را از حالت تملیک یا تحبیس دائم خارج کرده و به عقدی جایز تبدیل می‌کند که این امر با اهداف بلندمدت و ماهیت پایدار وقف منافات دارد و آن را باطل می‌سازد؛ این دیدگاه با توجه به پیامدهای تزلزل‌آور برای نهاد وقف، با چالش‌های جدی مواجه است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی به این نتیجه رسیده است که شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف با ماهیت لازم و ابدی وقف و اصل «ممنوعیت رجوع از وقف» در تعارض بنیادین است. دیدگاه غالب فقهی و حقوقی در ایران، چنین شرطی را به دلیل مغایرت با مقتضای ذات عقد وقف و لزوم حفظ پایداری و ثبات این نهاد خیرخواهانه، باطل دانسته و بر آن تأکید می‌ورزد تا از تزلزل در ارکان وقف و تضییع اهداف والای آن جلوگیری شود.

واژگان کلیدی: مال موقوفه، ملک واقف، وقف.

ارجاع:

عبداله پور، حبیب اله؛ نام آور، حمیدرضا؛ (۱۴۰۴)، مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف، تمدن حقوقی، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

وقف به عنوان یکی از مهم ترین و دیرینه ترین نهادهای خیرخواهانه در فقه اسلامی و حقوق ایران، همواره نقشی محوری در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایفاء کرده است. ماهیت این تأسیس حقوقی، مبتنی بر «حبس عین و تسبیل منفعت» است که لازمه آن، پایداری، دوام و عدم بازگشت عین موقوفه به ملکیت واقف است. این لزوم و ممنوعیت رجوع، ضامن تحقق اهداف بلندمدت واقف و اعتماد عمومی به این نهاد مقدس است.

با این حال، طرح شروطی نظیر «شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف»^۱ مسئله ای بنیادین و چالش برانگیز را در نظام حقوقی و فقهی ما پدید آورده است. این تعارض اساسی میان اصل لزوم وقف و اختیار فسخ، نه تنها می تواند منجر به تزلزل در ارکان وقف و سلب اطمینان عمومی از پایداری آن شود، بلکه پرسش های مهمی را در خصوص اعتبار شروط ضمن عقد در عقود لازم و میزان تأثیر اراده واقف بر ماهیت اصلی وقف مطرح می سازد. از این رو، بررسی فقهی و حقوقی این شرط، به ویژه در پرتو قواعد عمومی شروط، مقتضای ذات عقد و نص صریح قانون مدنی^۲، برای حفظ پایداری و

۱- که به موجب آن، واقف یا شخص ثالث اختیار فسخ وقف و اعاده موقوفه را می یابد

۲- مانند ماده ۶۱

کارایی نهاد وقف، تبیین دقیق حدود اختیارات واقف و تضمین تحقق اهداف خیرخواهانه این سنت حسنه، از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است.

این پژوهش می‌کوشد تا با تحلیل این چالش، راهکارهای حقوقی و فقهی مناسب را برای رفع ابهام و حفظ استحکام وقف ارائه نماید. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف با تأکید بر دیدگاه‌های مختلف فقها و حقوقدانان و ارائه راهکارهای مناسب برای حل تعارضات موجود بین این شرط و اصل لزوم وقف است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام می‌شود. بدین منظور، به جمع‌آوری اطلاعات از کتاب‌های فقهی و حقوقی، مقاله‌های علمی و قوانین و مقررات مرتبط با وقف و شروط ضمن عقد پرداخته می‌شود.

در صورتی که واقف در ضمن عقد شرط کند که هرگاه نیازمند شد، موقوفه به وی بازگردد، درباره صحت و بطلان چنین عقد و شرطی در گام اول و عنوانی که بر عمل وی در فرض صحت اطلاق می‌شود در گام دوم، نظرات متفاوتی در فقه ارائه شده است. برخی از فقها معتقدند وقف و شرط، هر دو باطل است (حلی، ۱۴۱۲ق، ۱۵۶). در کتاب سرائر بر این قول ادعای اجماع شده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۱۵۷).

پذیرش یا عدم پذیرش صحت وقف مشروط به بازگشت موقوفه هنگام نیاز^۳، در صحت وقف و امکان جعل شرط فسخ «تأیید» ریشه در اختلاف نظر آنان در شرط دانستن یا ندانستن در عقد وقف دارد. به این معنا که فقهای که ابدی بودن را شرط صحت عقد می‌دانند، شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف در صورت نیاز را که به معنای انفساخ عقد هنگام تحقق شرط است، به دلیل مخالف بودن با مقتضای عقد، باطل و مبطل عقد می‌دانند (قمی، ۱۳۷۱، ۲۷). زیرا شرط مخالف مقتضای عقد، باطل و مبطل عقد است. ولی فقهای که ابدی بودن را نه شرط صحت، بلکه مقتضای اطلاق عقد تلقی می‌کنند، وقف مقرون به شرط بازگشت به ملک واقف در صورت نیاز را تا زمان حصول شرط، صحیح و باقی می‌دانند (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ۳۵۵).

هرچند لازم است در حالتی که حبس به صورت موقت منعقد می‌شود، اجل آن به‌طور مشخص

۳- اعم از آن که در حالت دوم، آن را از اصل باطل بدانند یا تنها به‌عنوان وقف باطل بدانند و نه حبس

تعیین شود؛ ولی اختلاف در جایی است که شخص، عمل حقوقی موردنظر خود را با عنوان «وقف» واقع سازد و با درج شرط «بازگشت موقوفه به مالک هنگام نیاز» خواهان بطلان وقف در زمان بروز نیاز برای وی و بازگشت مال وقفی به ملک خویش باشد. از آن جا که شرط موردنظر واقف غیرقابل پیش‌بینی و اساساً نامعلوم است، نمی‌توان برای آن اجل تعیین نمود. از این رو، باید در جست‌وجوی نهادی بود که در عین تأمین اراده واقف^۴، به شروط موردنظر وی نیز جامه عمل بپوشاند. نهادی که در حقوق کنونی در این گونه موارد به کار می‌رود، «شرط فاسخ» است که منوط بودن اثر آن به «وقوع حادثه‌ای در آینده» و «احتمالی بودن وقوع حادثه» از اوصاف واقعی آن محسوب می‌شود و در صورت تحقق، به انحلال عقد می‌انجامد (عابدی، ۱۳۹۵، ۳۷).

با این مقدمه به نظر می‌رسد برای بررسی وضعیت حقوقی شرط بازگشت موقوفه هنگام نیاز از سوی واقف به‌عنوان شرط فاسخ در وقف و تشخیص این که آیا چنین شرطی با مقتضای عقد وقف مخالف است یا خیر؟ و آیا اساساً امکان قرار دادن شرط فاسخ در ضمن عقد وقف وجود دارد یا خیر؟، ضروری است ابتدا وقف را مورد بررسی قرارداد و سپس بر مبنای نظر برگزیده و نیاز مفهوم شرط «تأبید» وضعیت اشتراط فاسخ، در مورد وضعیت حقوقی شرط رجوع موقوفه هنگام نیاز به‌عنوان شرط فاسخ و وضعیت عقد به دلیل تحقق شرط فاسخ، به تحلیل و ارزیابی پرداخت.

۱- ماهیت وقف

زمانی که از ماهیت وقف صحبت می‌شود، این پرسش مطرح می‌شود که آیا عمل حقوقی وقف با یک اراده، یعنی اراده واقف و التزام او به تبرع تحقق می‌یابد؟ یا این که علاوه بر اراده واقف به قبول نیز نیاز است؟ علت طرح بحث ماهیت وقف از لحاظ عقد بودن یا ایقاع بودن، این است که برخی معتقدند که فضولی فقط در عقود جریان دارد و در ایقاعات، فضولی جریان ندارد و ایقاع فضولی را باطل می‌دانند و بر این اساس یکی از دلایل بطلان وقف فضولی را ایقاع بودن وقف می‌دانند که به دلیل ایقاع بودن آن، معتقدند که وقف فضولی باطل است. گروهی معتقدند که در وقف صرف ایجاب کفایت می‌کند و نیازی به قبول نیست؛ به عبارت دیگر، اراده واقف به تنهایی سبب به وجود آمدن وقف است و اراده موقوف علیه

۴- مبنی بر قرار دادن منافع مال خود برای دیگران به‌طور رایگان

یا موقوف علیهم در تشکیل و ایجاد وقف نقشی ندارد (حلی، ۱۴۱۲ق، ۱۵۶).

از طرفداران این نظریه سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، شهید اول، شیخ یوسف بحرانی و سیدمحمدجواد عاملی را می‌توان نام برد. اکثر فقهای اهل سنت نیز، بر این اعتقاد هستند که در وقف به صورت مطلق قبول شرط نیست و بیان کرده اند: اگر وقف بر غیرمحصور باشد، مانند وقف بر مساکین، نیازی به قبول نیست اگر وقف بر آدمی شود، در اشتراط قبول دو وجه وجود دارد: می‌توان گفت که قبول شرط است؛ زیرا وقف بر شخص معین، تبرع بر او است و مانند هبه و وصیت نیاز به قبول دارد و یا می‌توان گفت در وقف بر شخص معین برای صحت و لزومش نیازی به قبول ندارد و مانند وقف بر غیرمحصور است، زیرا وقف مانند عتق، مالکیت را زائل می‌کند و از بیع، هبه و میراث عین موقوفه جلوگیری می‌کند و در نتیجه احتیاج به قبول ندارد و از همین جهت از وصیت و هبه جدا می‌شود. اما در ظاهر باید گفت در وقف مالکیت زائل می‌شود و وقف به مجرد لفظ ایجاب، لازم می‌شود و فقط با ایجاب تحقق می‌یابد (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ۱۰۵).

برخی از حقوقدانان نیز قائل به ایقاع بودن وقف هستند. دکتر جعفری لنگرودی یکی از حقوقدانانی است که معتقدند وقف ایقاع است نه عقد و به رد استدلال قائلین به بطلان پرداخته‌اند و در این زمینه بیان کرده اند: «دلیل عقد بودن، منع تملیک قهری است که لاقلاً در تملیک منافع احتمال داده می‌شود آنان می‌گویند: تملیک قهری در شریعت معهود نیست. اشکال اساسی این استدلال این است که شرع را نباید محدود به نصوص کرد، زیرا شرع در مورد ماهیت مستنبطه، احاله به عرف کرده است و عرف از این رهگذر، حصه‌ای عظیم در شریعت یافته است؛ عرف در موارد بسیاری قاعده تملیک قهری را پذیرفته است علاوه بر این، تملیک قهری منافع^۵ نسبت به طبقه دوم از موقوف علیه وجود دارد. مشکل اساسی عقد بودن این است که بدون دقت، به این اندیشه وابسته شده‌اند که هر قبول عقدی، باید قبول تأسیسی باشد نه قبول امضایی؟^۶ به این معنی که در تبرعات مبتنی بر احسان^۷ قبول منتقل الیه، جنبه امضایی دارد^۸ و قبول

۵- و عین از نظر آنان که قائل به تملیک عین شده اند

۶- یا تصویبی

۷- مانند وقف، هبه و وصیت تملیکی

۸- امضاء احسان

امضایی، جزء سبب عقد نیست و نکته مهم در رد بر نظریه عقد بودن این است که کسانی که قائل به عقد بودن وقف هستند و تملیک قهری را ممنوع می‌دانند آن را مایه منت گذاری بر منتقل‌الیه می‌بینند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۶۳۰).

به‌طور خلاصه قائلین به ایقاع بودن وقف به دو دلیل استناد کرده‌اند؛ دلیل اول وقف مانند عتق، فک ملکیت است و همان‌طور که در عتق، به مجرد ایجاب مولی، بنده آزاد می‌شود و مالک منافع خود می‌شود، در وقف نیز با ایجاب واقف، عین موقوفه از مالکیت او خارج می‌شود و موقوف علیه مالک منافع می‌شود. دلیل دوم این است که هنگام شک در اشتراط قبول، به اصل عدم تمسک می‌کنیم و به مقتضای اصل عدم، به عدم شرطیت قبول در وقف حکم می‌شود.

گروهی از فقها معتقدند که وقف علاوه بر ایجاب از طرف واقف، نیاز به قبول هم دارد و صرف یک اراده کفایت نمی‌کند، بلکه، نیاز به دو اراده است. بنابراین، قبول در تمامیت وقف مؤثر است؛ یعنی تا قبول واقف نشود، وقف محقق نمی‌شود اما در وقف خاص، موقوف علیه و در وقف عام، حاکم باید قبول کند (انصاری، ۱۳۹۸، ۳۶).

وقف علاوه بر ایجاب، نیاز به قبول هم دارد؛ به این صورت که در وقف خاص، طبقه اول از موقوف علیهم آن را قبول می‌کند و در وقف عام^۹، حاکم آن را می‌پذیرد و مهم‌ترین دلیل آن‌ها نیز این است که هیچ ملکی را نمی‌توان به اجبار به دارایی دیگری افزود.

۲- ماهیت شرط بازگرداندن اموال موقوفه به واقف

تحلیل اصل ماهیت شرط بازگرداندن اموال موقوفه به واقف هنگامی که نیازمند می‌شود در مواردی که تا به این جا بیان شد با بیان تحقق شرط^{۱۰} در زمانی بعد از اجرایی شدن عقد وقف بدون نیاز به مواردی خود به خود منحل و فسخ می‌شود و وقف از آن لحظه به بعد به اموال مالک قبلی آن یعنی وقف‌کننده برگردانده می‌شود. در ادامه عقدی که منحل شدن آن از نظر قانونی در چهارچوب معینی تعیین شود نمی‌تواند با تعیین شرط فاسخ منحل شود (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ۱۱۹).

۹- غیر محصور و جهات

۱۰- نیازمند شدن وقف‌کننده

پژوهش‌های انجام شده در موارد قانونی نشان می‌دهد منحل شدن وقف از نظر قانونگذار به دلایل خاصی محدود نشده، از این رو، وقف تابع قوانین عمومی که مربوط به عقد است خواهد بود. تنها مورد استثناء در ماده ۶۱ قانون مدنی ذکر شده است که بازگشت از وقف را بعد از به وقوع پیوستن آن و حاصل شدن سند ممنوع اعلام کرده است که شرط وقف‌کننده بر منحل شدن وقف در صورت به تحقق رسیدن شرط و مداخله در آن بعد از به وقوع پیوستن عقد و سند نیست تا به عنوان «رجوع» اجرا و ممنوع شود. از طرفی دیگر، منحل شدن عقد در زمانی که شرط به وقوع بپیوندد از نظر واقف امری غیرقطعی است و به صورت جبری رخ می‌دهد و وقف‌کننده در آن دخالتی ندارد؛ بنابراین، شامل ماده ۶۱ و ماده‌های دیگر قانون مدنی نمی‌شود. بنابراین، با نداشتن منع قانونی وقف‌کننده در حین منعقد کردن وقف شرط فاسخی در رابطه با منحل شدن وقف هنگامی که شرط محقق شود در نظر گرفته نمی‌شود (شهیدی، ۱۴۰۳، ۶۱).

شرط بازگشت موقوفه به واقف هنگام نیاز در عقد وقف و نظریه صحت وقف و شرط این حقیقت را آشکار می‌سازد که چنین شرطی در عقد وقف، با شرط فاسخ انطباق کامل دارد؛ زیرا «موکول ساختن انحلال عقد به شرطی خارجی یا حادثه‌ای در آینده» مضمون اصلی شرط فاسخ را تشکیل می‌دهد و حادثه‌ای که در این جا، انحلال عقد وقف به آن وابسته شده است، همان «نیازمند شدن واقف به مال مورد وقف» در زمانی بعد از انشای وقف است که مضمون اصلی دو روایت اسماعیل بن فضال از امام صادق (ع) را تشکیل می‌دهد.

بنابراین، با تحقق شرط^{۱۱} در زمانی بعد از تحقق عقد، وقف خود به خود منحل و منفسخ می‌گردد و چون اثر حادثه از هنگام بروز آن است (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ۱۱۹)، آثار وقف از آن لحظه، از بین می‌رود و مال موقوفه به ملک مالک پیشین آن، یعنی واقف برمی‌گردد و اگر واقف در حالت نیاز فوت کرده باشد، مال به ورثه او تعلق می‌گیرد^{۱۲}؛ زیرا به اقتضای شرط فاسخ، به محض تحقق نیاز، وقف باطل می‌گردد و اگر واقف از تصرف در آن خودداری نماید، دلیل بر عدم نفوذ شرط و بقای وقف نیست؛ بلکه وقف باطل است و آن مال، ملاک شخصی وی محسوب می‌شود و این همان نتیجه‌ای است که از پذیرش نظریه «صحت وقف و شرط» در فقه به دست می‌آید.

۱۱- نیازمند شدن واقف

۱۲- يرجع میراثا

با دقت در تعریف شرط فاسخ و دلایل پذیرش نظریه مذکور در فقه روشن می‌شود از نظر حقوقی نیاز شرط انفساخ تابع احکام خیار شرط نیست؛ بلکه نهادی است جداگانه که نفوذ آن را باید بر طبق قواعد کلی شروط و طبیعت عقد سنجید. اصل، نفوذ شرط فاسخ است و باید این مسئله را در سایه ماده ۱۰ قانون مدنی مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

به نظر می‌رسد شرط انفساخ بر معنای ذکر شده از شرط نتیجه انطباق دارد؛ زیرا اولاً شرط فاسخ بر مبنای تراضی و اصل حاکمیت اراده در ضمن عقد قرار داده شده است و همین اراده‌هایی که در تشکیل و انعقاد آن نقش ایفاء کرده‌اند، می‌توانند شرایط آن را تغییر داده یا برخلاف آن تراضی کنند. ثانیاً شرط فاسخ نیز مانند شرط نتیجه، خود به خود و بدون دخالت اراده تأثیرگذار است و برای ایفای نقش آن، نیازمند دخالت اراده‌های تشکیل‌دهنده آن یا یکی از آن اراده‌ها نیست؛ بنابراین، انحلال عقد به وسیله شرط فاسخ، در عین حال که سببی ارادی دارد، انحلالی قهری به شمار می‌آید؛ زیرا آن چه باعی انفساخ و از هم گسیختن عقد می‌شود «حادثه» و امری خارجی است و نه اراده و انشای فعلی طرفین قرارداد؛ و گرنه باید به خیار شرط و فسخ، تعبیر گردد؛ بنابراین، باید تفاوت ماهوی میان شرط فاسخ و شرط فسخ در نظر گرفت و شرط فاسخ را برخلاف شرط فسخ، از اسباب قهری انحلال معاملات به حساب آورد (قریشی و همکاران، ۱۳۹۸، ۵۵).

همان‌طور که از این دیدگاه فقهی به‌خوبی برمی‌آید، انحلال وقف در صورت بروز نیاز برای واقف، تشریفات و شکل خاصی ندارد و صرف تحقق نیاز، وقف را خود به خود از بین می‌برد و لازم نیست فسخ آن به وسیله یکی از طرفین وقف انشاء گردد؛ بلکه فسخ آن به موجب تحقق شرطی صورت می‌گیرد که در لحظه انشای وقف، انشاء شده و به آن پیوند داده شده است و زمان اثرگذاری آن، اکنون و در زمانی متأخر از زمان اثرگذاری انشای مربوط به وقف فرا رسیده است. از تطبیق این سخن بر ماهیت شرط فاسخ در فقه و حقوق روشن می‌گردد که در آن جا نیز انشای انحلال و انفساخ قرارداد مشروط به شرط فاسخ، ضمن انشای خود عقد به عمل می‌آید ولی زمان تشکیل و تحقق عقد با زمان تحقق انفساخ یکی نیست؛ هرچند که زمان انشای آن دو به لحاظ وحدت خود انشاء، یکی می‌باشد (شهیدی، ۱۴۰۳، ۶۰).

بنابراین، شرط بازگشت موقوفه به مالک هنگام نیاز منطبق بر شرط فسخ است و با شرط انفساخ، تفاوت ماهوی دارد؛ زیرا در شرط فسخ^{۱۳}، انحلال عقد به موجب انشای فعلی دارنده حق فسخ صورت می‌پذیرد و

اگر در فسخ عقد در زمان معین، کوتاهی کند و وضع موجود را به حال خود واگذارد، عقد همچنان استمرار خواهد داشت. ولی در شرط فاسخ و شرط بازگشت موقوفه به مالک هنگام نیاز، در صورت بروز نیاز برای واقف، وقف به صورت قهری و خارج از اراده او و بدون نیاز به انشای فسخ توسط وی انحلال می‌یابد. به عبارت دیگر، انحلال عقد به وسیله شرط فاسخ، در عین حال که سببی ارادی دارد، انحلالی قهری به شمار می‌آید؛ زیرا آن چه باعث انفساخ و از هم گسیختن عقد می‌شود «حادثه» و امری خارجی است و نه اراده و انشای فعلی طرفین قرارداد؛ و گرنه باید به خیار شرط و فسخ، تعبیر گردد. از این رو، شرط فاسخ برخلاف شرط فسخ، از اسباب قهری انحلال معاملات به حساب می‌آید (بازگیر، ۱۳۹۰، ۶۵).

۳- تأثیر شرط فاسخ بر وقف

پس از این که اضافه کردن شرط بازگشت وقف به واقف هنگامی که نیاز پیدا کند به عنوان فاسخ در عقد ذکر شود، با توجه به فقه و حقوق موارد زیر را می‌توان به عنوان تأثیر آن ذکر کرد:

عملی که توسط شخص صورت گرفته است با عنوانی که ذکر شده یعنی وقف به انجام می‌رسد و تعبیر و تغییر در آن که به عنوان حبس یاد شده، با مقررات کلی در عقدها یکی نبوده و درست نیست. وقفی که در آن شرط قید شود، در رابطه با بازگشت وقف به ملک وقف‌کننده در صورتی که نیاز داشته باشد هنگام داشتن باقی شرایط به درستی در عقد آورده شود، به دلیل وجود عدم تفاوت با لزوم عقد و عدم اختلاف با کتاب و سنت، دارای اعتبار بوده و از طرفی وقف تا زمانی که شرط تحقق یابد^{۱۴} ادامه داشته و با به وقوع پیوستن شرط وقف منحل می‌شود. از آن جایی که تنها تحقق یافتن شرط فاسخ برای منحل شدن عقد شرط شده کافی است در این موضوع که مورد بحث قرار گرفته است، تنها نیاز پیدا کردن واقف به مالی که وقف کرده باعث منحل شدن وقف می‌شود و قاعده و مقررات خاصی نیاز ندارد (طاهری، ۱۳۹۱، ۱۱۲).

تأثیر شرط بر نتیجه بر بودن شرط فاسخ منحل شدن وقف موقعی است که شرط تحقق یابد. در این صورت قرار گرفتن مال وقفی برای واقف بعد از این که به مالی که وقف کرده نیازمند شود و به این نتیجه برسد که وقف باطل شده است، تنها در صورتی که بخواهد رجوع کند با موضوع شرط فاسخ یکی نبوده

۱۴- وقف‌کننده نیاز پیدا کند

و به تعبیری به منظور قرار دادن آن به عنوان شرط فسخ است، دلیلی بر معتبر بودن در وقف نخواهد بود

۴- شرایط رجوع از وقف در صورت پشیمانی واقف

پس از بررسی امکان رجوع از وقف در صورت پشیمانی واقف، در خصوص شرایط انجام این امر، از منظر قانون مدنی، صحبت کنیم و بگوییم که در صورت پشیمان شدن واقف، پس گرفتن وقف، چه شرایطی خواهد داشت. شرایط رجوع از وقف در صورت پشیمانی واقف را باید در ماده ۶۱ قانون مدنی، جست‌وجو کرد که مقرر می‌دارد: «وقف، بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض، لازم است و واقف نمی‌تواند از آن، رجوع کند یا در آن، تغییری بدهد یا از موقوف علیهم، کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف علیهم نماید یا با آن‌ها، شریک کند یا اگر در ضمن عقد، متولی معین نکرده، بعد از آن، متولی قرار دهد یا خود به عنوان تولیت دخالت کند» (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ۲۳).

بر اساس این ماده و با در نظر گرفتن مفهوم مخالف آن، باید گفت، شرایط رجوع از وقف در صورت پشیمانی واقف، این است که واقف، عین موقوفه را به تصرف وقف، نداده باشد و قبض عین موقوفه، توسط موقوف علیهم یا نماینده قانونی آن‌ها^{۱۵} یا حاکم^{۱۶}، محقق نشده باشد. به عبارتی، رجوع از وقف، صرفاً، قبل از تحقق کامل آن، امکان‌پذیر است، چرا که بر اساس قانون مدنی، وقف، علاوه بر ایجاب و قبول، با به تصرف دادن وقف، محقق خواهد شد و مستفاد از ماده ۵۹ قانون مدنی، بدون به تصرف دادن وقف، وقف محقق نمی‌شود (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸، ۱۹).

در غیر از شرایط فوق، به هیچ عنوان، امکان رجوع از وقف و پس گرفتن آن، وجود نخواهد داشت و تنها راه پس گرفتن مورد وقف، این است که عقد وقف، به علت‌هایی قانونی، بر هم بخورد یا باطل اعلام شود. در خصوص این مورد، می‌توان به یکی از موارد زیر، اشاره نمود: اثبات شود، واقف، بدهکار و مدیون بوده و اموال و دارایی او، کفایت بدهی‌هایش را نمی‌نماید و وقف، به ضرر طلبکاران وی است که در این صورت، صحت وقف، منوط به اجازه طلبکاران بوده و یا وقف، از ابتدا، باطل باشد، نظیر زمانی که یکی از شرایط اصلی صحت معاملات، مانند اهلیت، قصد و رضا، مشخص بودن موضوع و جهت معامله وجود

۱۵- در وقف خاص

۱۶- در وقف عام

نداشته باشد. شایان ذکر است، درج خیار شرط، یعنی خیار حق فسخ قرارداد، توسط واقف، به موجب پیشیمانی، نه از نظر شرعی و نه از نظر قانونی، امکان‌پذیر نبوده و چنین شرطی، در صورت مطرح شدن، رسمیت قانونی و قابلیت اجرا، نخواهد داشت و برخی از فقها، آن را سبب بطلان عقد وقف می‌دانند.

شرط فاسخ، حاصل تراضی دو طرف قرارداد است ولی شرط بازگشت موقوفه به واقف هنگام نیاز، حاصل حکومت اراده یکی از طرفین عقد وقف، یعنی واقف است و اراده و رضایت موقوف علیه در آن نقشی ندارد. بنابراین، این دو نهاد با همدیگر تفاوت دارند؛ زیرا علاوه بر این که وقف، به تصریح قانون مدنی و مشهور فقهای امامیه، «عقد» است و جز با قبول از طرف مقابل، محقق نمی‌گردد؛ قاعده کلی «الوقوف» نیز بر صحت چنین اشتراتی در وقف، دلالت دارد. توضیح آن که، عقد، حاصل توافق دو اراده است و از دو انشای متقابل به وجود می‌آید. از این رو، به همان اندازه که اراده واقف در ایجاد و تحقق مضمون اصلی وقف و شرط نقش دارد، اراده موقوف علیه نیز به‌عنوان طرف قبول در ایجاد و تحقق آن نقش دارد؛ بنابراین، نتیجه به دست آمده، متناسب به اراده هر دو طرف عقد است. هر چند مشروط له در این گونه از عقد و شرط، واقف است و طرف مقابل او^{۱۷}، صرفاً نقش قبول را ایفاء می‌کند و جز الحاق بدین طرح، نقشی ندارد (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ۱۷۲). این تصویر از عقد وقف، آن را به عقود الحاقی نزدیک می‌سازد ولی این باعث نمی‌شود عنوان «عقد بودن» از آن ستانده شده و نقش «قبول» در آن نادیده گرفته شود. علاوه بر این که کسی در عقد بودن عقود الحاقی تردید نکرده است.

ویژگی اختصاص داشتن شرط فاسخ به «عقد غیرممنوع از انحلال ارادی» نیز در مطلب مورد نظر ما اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا از یک سو، پیش از این به اثبات رسید که ابدی بودن، شرط صحت وقف نیست و آن چه باعث بطلان عقد می‌شود، تقیید وقف به زمان خاصی مثلاً یک سال یا ده سال می‌باشد و اساساً وقف غیر مؤبد، مانند وقف بر موقوف علیهمی که غالباً منقرض می‌شوند صحیح است (ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶ق، ۲۳۴). بنابراین، شرط بازگشت موقوفه هنگام نیاز، مخالفتی با قابل انحلال ارادی نبودن وقف ندارد. از سوی دیگر، انحلال به وسیله شرط فاسخ، در عین حال که سببی ارادی دارد، انحلالی قهری به شمار می‌آید؛ زیرا آن چه باعث انفساخ و از هم گسیختن عقد می‌شود، «حادثه» و امری خارجی است و نه اراده و انشای فعلی طرفین قرارداد؛ و گرنه باید به خیار شرط و فسخ، تعبیر گردد.

۵- شرط بازگشت موقوفه به واقف هنگام نیاز در فقه

در مجموع و با التفات به مباحی پیش گفته و مطالب فقها، باید گفت در مورد وقفی که مشروط به انشاء می شود، سه نظریه به صورت زیر ارائه شده است:

۵-۱- نظر اول: بطلان وقف و شرط

از جمله فقهای که وقف مقرون به شرط بازگشت به ملک واقف در صورت نیاز را باطل می داند، ابن ادریس است. وی در این باره می نویسد: «از جمله شروط صحت وقف این است که شرط اختیار واقف در بازگشت به وقف، در آن وارد نشود؛ پس هرگاه چنین چیزی را شرط نماید، طبق نظر صحیح در میان اصحاب ما، وقف باطل خواهد بود» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۱۵۶). این فقیه در ادامه با نقل نظر سیدمرتضی مبنی بر این که برای واقف جایز است شرط نماید در صورت نیاز به مال وقفی در زمان حیات خود، آن را بفروشد و از ثمن آن استفاده کند، آن را نظر اختلافی دانسته و در مقابل، با توصیف نظر خود با عنوان «نظر غیراختلافی» و انتساب آن به شیخ طوسی و بزرگان فقها، شرط بازگشت موقوفه به واقف در صورت نیاز را نامعتبر و فاقد دلیل معرفی می نماید.

فقیه دیگری، ضمن پذیرش این نظر، در بیان دلیل آن می گوید: «به دلالت دو روایت صحیح اسماعیل روایات دیگر غیر از این دو، بر مجموع آن چه که وی قصد کرده است^{۱۸}، حکم صحت جاری نمی شود. از سوی دیگر، حبس بودن این مال در مدت خاصی، مقصود اصلی وی در این عقد نبوده است؛ پس عقد^{۱۹} باطل می شود؛ بنابراین اگر این فرد تا لحظه مرگ، نیازمند نشود و بمیرد، قول قوی تر ایان است که آن مال به ورثه وی باز می گردد» (سبزواری، ۱۳۸۸، ۱۳).

در توضیح این دلیل باید گفت مطابق این دیدگاه، آن چه منظور واقف بوده^{۲۰} به دلیل درج شرطی مخالف مقتضای وقف در آن، واقع نشده است؛ زیرا طبق فرض، ابدی و دائمی بودن، مقتضای عقد وقف و شرط صحت آن است و بازگشت چنین شرطی، به نفعی تأیید در وقف است. از سوی دیگر، آن چه واقع

۱۸- عقد و شرط

۱۹- و شرط

۲۰- وقف مؤبد

شده^{۲۱}، مورد نظر واقف نبوده است^{۲۲}؛ بنابراین، هم عقد باطل است و هم شرطی که در ضمن آن گنجانده شده و فرع و تابع عقد اصلی بوده است.

۵-۲- نظر دوم: بطلان وقف و صحت شرط

بر اساس تبعی که در میان نظرات فقها به عمل آمد، ظاهراً محقق حلی نخستین فقیهی است که نظریه صحت شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف در صورت نیاز و بطلان وقف را مطرح کرده و معتقد است چنین عملی صحیح است ولی نه با عنوان وقف؛ بلکه با عنوان «حبس». وی در این باره آورده است: «اگر واقف برگشت مال وقف را به هنگام نیازمندی شرط کند، شرط صحیح است و وقف باطل می‌شود و تبدیل به حبس می‌گردد که به هنگام نیاز به او برمی‌گردد و به ارث می‌رسد». برخی از فقهای دیگر نیز همانند محقق، این نظر را مورد تأیید قرار داده‌اند (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ۲۹۱).

۵-۳- نظر سوم: صحت وقف و شرط

سومین نظریه در خصوص وقف مشروط به بازگشت موقوفه به واقف در صورت نیاز، نظریه صحت وقف و شرط است؛ یعنی چنین عملی با عنوان وقف صحیح است و با بروز نیاز برای واقف، عقد وقاف منحل شده و مال موقوفه در اختیار واقف قرار می‌گیرد. شیخ طوسی در این زمینه می‌نگرد: «اگر واقف شرط کند که هرگاه به چیزی از موقوفه نیاز پیدا کرد، اختیار فروش موقوفه و تصارف در آن را داشته باشد، چنین شرطی صحیح است و وی اختیار دارد آن چه را که شرط کرده، انجام دهد» (طوسی، ۱۳۶۷، ۵۹۶).

مهم‌ترین دلایل این نظریه، علاوه بر آن چه در مورد صحت شرط در نظریه پیشین ارائه شد^{۲۳} عبارت از موارد زیر است: نخستین فقیهی که در این مسئله به اجماع استناد کرده، سیدمرتضی است. وی می‌نویسد «از موضوعاتی که جزء مسائل اختصاصی فقه امامیه محسوب می‌شود، این سخن است که هر کس وقفی بنماید، جایز است شرط نماید که اگر در زمان حیاتش به آن نیاز پیدا کرد، اختیار فروش موقوفه و بهره‌برداری از منافعی را داشته باشد. دلیل ما برای این سخن، اتفاق نظر فقهای امامیه است؛ و نیاز به این دلیل

۲۱- وقف موقت یا همان حبس به معنای خاص

۲۲- ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد

۲۳- عموم ادله لزوم وفای به عقد و شرط

که موقوفه بودن هر چیز، تابع اختیار واقف و شرایطی که وی قرار می‌دهد، است. پس اگر آن چه را گفتیم برای خود شرط ننماید، مانند سایر شرط‌هایی خواهد بود که در وقف قرار می‌دهد» (روحانی، ۱۳۷۸، ۶۶).

اصل صحت در عقد و شرط که به موجب این اصل، هرگاه در صحت و فساد عقدی به جهت احتمال فقدان شرط یا احتمال وجود مانع، تردید وجود داشته باشد، به صحت آن عقد حکم می‌شود و عقد، داخل در عموم ادله لزوم وفای به عقد قرار می‌گیرد. علامه حلی در استدلال به این اصل برای اثبات صحت وقف مشروط به بازگشت موقوفه هنگام نیاز آورده است: «دلیل ما برای این نظریه، اصل صحت عقد و شرط با هم است». به اجماع فقها، مشروط ساختن وقف، امری جایز است؛ پس هرگاه شرطی که در ضمن عقد وقف گنجانده شده از بین رود، وقف استمرار نخواهد داشت؛ بنابراین، اکنون که عقد قابل مشروط ساختن می‌باشد و از سوی دیگر، امکان انتقال مال موقوفه از موقوف علیه به دیگری وجود دارد، نباید مانعی در خصوص این شرط وجود داشته باشد (سبزواری، ۱۳۸۸، ۷۸).

نتیجه

نظریه صحت وقف مشروط به بازگشت موقوفه به ملک واقف در صورت نیاز و استمرار وقف تا زمان بروز شرط در فقه، در مقابل دو نظریه دیگر که قائل به بطلان کلی این عمل و یا صحت آن با عنوان حبس و نه وقف هستند، به دلیل قرار گرفتن در عموم ادله لزوم وفای به عقد و شرط، ادله لزوم تبعیت عقد از قصد، قاعده الوقوف، قاعده شروط و دلالت ظاهری روایاتی که در این زمینه وجود دارد، از استحکام و استواری بیشتری برخوردار و مورد پذیرش قرار گرفته است.

شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف در صورت نیاز در فقه با «شرط فاسخ» در حقوق که قرارداد صحیح نافذ را از زمان تحقق شرط در حالت انفساخ قرار می‌دهد و نوعی از شرط نتیجه محسوب می‌شود، انطباق کامل دارد؛ بنابراین و بر اساس نظر مورد پذیرش در فقه، امکان قرار دادن شرط فاسخ در عقد وقف وجود دارد و وقف مشروط به بازگشت موقوفه به ملک واقف در صورت نیاز، صحیح است و تا زمان تحقق نیاز برای واقف استمرار می‌یابد و بعد از آن منحل می‌گردد.

در جمع بندی این مطلب «اصل صحیح بودن وقف به شرط بازگشت مال وقفی به ملک وقف کننده در صورتی که نیازمند شود و تا زمان وقوع شرط» در فقه، در مقابل دو نظر دیگر که به باطل شدن کلی

این عمل و یا صحیح بودن آن به عنوان حبس و نه وقف، به دلیل این که بیشتر دلایل فقهی موجود، از اعتماد بیشتری برخوردار است بنابراین مورد قبول است. شرطی که در ارتباط به بازگشت موقوفه به مال واقف در صورتی که نیاز پیدا کند در فقه و شرط فاسخ در حیطه حقوق قرارداد را از زمانی که شرط محقق شود در حالت انفساخ قرار می‌گیرد که نوعی از شرط نتیجه حساب می‌شود تطابق کامل دارد. در این صورت، بر اساس نظر مورد قبول در فقه اضافه کردن شرط فاسخ در عقد وقف امکان‌پذیر است و مال وقف شده در صورتی که شرط بازگشت به ملک واقف هنگامی که نیازمند شود صحیح است و تا به وقوع پیوستن نیز برای وقف‌کننده اعتبار دارد و بعد از آن منحل می‌شود. از طرفی قانونی بودن شرط فاسخ در عقد وقفی مطابق با اصول «الوقوف» در فقه و نیز قاعده حاکمیت اراده در حوزه حقوق و ماده ۱۰ قانون مدنی بیان شده است.

با دلیل‌هایی که بیان شد و نیز نبود منع قانونی در این موضوع، وقف در همه اصل‌های عمومی قراردادها قابل اجرا است، از این جهت امکان قرار دادن شرط فاسخ در آن مانند باقی عقدها لازم است. **ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- بازگیر، یدالله، ۱۳۹۰، **قانون مدنی در آینه آرای دیوان عالی کشور در عقود و تعهدات**، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوسی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۲، **حقوق مدنی**، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ریاحی سامانی، نادر، ۱۳۷۸، **وقف و سیر تحولات قانونگذاری در موقوفات**، چاپ اول، شیراز، انتشارات نوید.
- شهیدی، مهدی، ۱۴۰۳، **سقوط تعهدات**، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات مجد.
- طاهری، حبیب‌الله، ۱۳۹۱، **حقوق مدنی**، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- عابدی، محمد، ۱۳۹۸، **اجل در تعهدات و قراردادها**، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- قریشی، سیدمهدی؛ جوادی، محمدحسن؛ رحمانی، حامد، ۱۳۹۸، بررسی فقهی و حقوقی شرط فاسخ در عقد وقف، **فصلنامه آموزه‌های فقه مدنی**، شماره ۱۹.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۲، **نظریه عمومی تعهدات**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۳، **قواعد عمومی قراردادها**، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

عربی

- ابن ادریس، محمد بن احمد، ۱۴۰۱۰ق، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن قدامه، عبدالله، ۱۳۸۸ق، **المغنی**، قاهره، مکتبه القاہره.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین، ۱۳۹۸، **المکاسب**، چاپ بیست و هشتم، قم، انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.
- ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ق، **مجموعه فتاوی ابن جنید**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حلّی، جعفر بن حسن، ۱۴۱۲ق، **النهایه و نکتها**، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- روحانی، محمد، ۱۳۷۸، **المرتقی إلى الفقه الأرقی (کتاب الخیارات)**، چاپ اول، تهران، انتشارات دارالجلی.
- سبزواری، سیدعبدالاعلی، ۱۳۸۸، **مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام**، چاپ اول، قم، انتشارات دارالتفسیر.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۳۸۱، **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع اسلام**، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۷، **المبسوط فی فقه ائمه امامیه**، تهران، انتشارات مکتبه المرتضویه.
- قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، ۱۳۷۱، **جامع الشتات فی أجوبه السؤالات**، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaeian, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhrzai, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumarsi
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibollah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri